

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۰۲

شفافیت رسانه‌ای در مقابله با فساد و جرم سازمان‌یافته

نوشته

غلامحسین بیابانی*

محمدتقی عصار**

افسانه مظفری***

چکیده

فساد یکی از شاخصه‌های اساسی جرم سازمان‌یافته در نظر گرفته می‌شود. گرچه تحقیقات تجربی اندکی در مورد ارتباط بین جرم سازمان‌یافته و فساد وجود دارد اما در سال‌های اخیر با پرونده‌های کلان فساد اقتصادی به‌ویژه مفاسد دولتی مواجه بوده‌ایم. هرچند فقدان شفافیت در فعالیت‌های مالی دولتی و نظارت نامناسب در کشور ما وقوع چنین مواردی را تسهیل کرده است ضرورت شفافیت بیشتر در مبارزه با فساد مالی و اداری مطرح می‌شود. از آنجا که بیشتر جرائم فساد به شکل سازمان‌یافته ارتکاب پیدا می‌کنند، در مبارزه با این جرائم نیز توسل به شفافیت ضروری است. زیرا ما امروزه با مجرمان سازمان‌یافته‌ای روبه‌رو هستیم که هیچ مرز ملی یا بین‌المللی نمی‌شناسند. آنها هیچ احترامی برای امنیت جامعه قائل نیستند. لذا اولین بار، کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ ضرورت شفافیت را مطرح کرد. افشای جرم سازمان‌یافته توسط رسانه به‌مثابه این است که نوری را داخل سایه‌هایی می‌تابانیم تا نقاط تاریک روشن شود. بر این اساس این مقاله در تلاش است تا روشی را که به طریق آن جرائم سازمان‌یافته و نیز بده‌بستان‌های مجرمانه صورت می‌پذیرد را آشکار سازد. در این مقاله نگارندگان تلاش دارند ابعاد شفافیت رسانه را در جرائم فساد و سازمان‌یافته کنکاش کنند و برای مقابله راهکارهایی را پیشنهاد دهند.

کلیدواژه: رسانه، شفافیت رسانه‌ای، پیشگیری، جرم سازمان‌یافته، فساد.

مقدمه

بیشتر تعاریف جرم سازمان‌یافته، فساد را به‌عنوان شاخصه کلیدی برای انجام جرم سازمان‌یافته دانسته و لزوم فهم رابطه بین فساد و جرم توسعه‌یافته را روشن می‌سازند. کارشناسان معمولاً

* استادیار گروه کشف جرائم دانشگاه علوم انتظامی امین biabanigh@yahoo.com

** استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین taghiasar@yahoo.com

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات mozaffari@srbiau

معتقدند که تشکیلات بزهکارانه به‌طور معمول در تعدادی از ویژگی‌ها مشترک هستند: به‌صورت یک سازمان منظم عمل می‌کنند، جرائم عادی را برای کسب منافع انجام می‌دهند، از خشونت شدید و نیز فساد به‌عنوان قسمتی از روش کار خود استفاده می‌کنند و مرتکب پول‌شویی در نظام اقتصادی می‌شوند.^۱ فساد (corruption) عموماً به‌عنوان یک جرم علیه نظم عمومی (crime against public order) طبقه‌بندی می‌شود. هیچ تعریف پذیرفته‌شده‌ای در سطح جهانی برای فساد وجود ندارد. اما به‌طور خلاصه عبارت است از سوء استفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی. یکی از ابزارهای رایج در اندازه‌گیری فساد، شاخص جهانی نشان می‌دهد که پایین‌ترین میزان فساد، در کشورهای پردرآمد اروپا و اقیانوسیه و بالاترین میزان فساد، در کشورهای کم‌درآمد اروپای شرقی، آسیا و آفریقا است (تیباجوکا، ۱۳۹۴: ۱-۳۰). آثار فساد به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع توسعه جهانی به‌شمار می‌رود. ساکنان شهرها، بیشترین بار فساد را متحمل می‌شوند، زیرا آنان نسبت به ساکنان روستاها انتظار خدمات بیشتری از طرف دولت دارند، فساد، توزیع منابع را از زیرساخت‌های محلی به سمت پروژه‌های بزرگ‌تر، جایی که زمینه برای فسادهای بزرگ‌تر فراهم است، منحرف می‌کند. (همان: ۴۲)

ارتباط بین جرم سازمان‌یافته و فساد

با توجه به ماهیت پنهانی هر دو مقوله فساد و فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته، به‌سختی می‌توان اطلاعاتی راجع به میزان فساد قابل انتساب به جرم سازمان‌یافته به‌دست آورد. شواهد عینی مبین این مسئله هستند که در بسیاری از کشورها وابستگی‌های بسیار عمیق بین جرم سازمان‌یافته، سیاست و بخش دولتی موجود است که حتی در مواقع حاد منجر به شکل‌گیری همکاری دوستانه بین دولت و سازمان‌های بزه‌کاری می‌شود. سازمان‌های بزه‌کاری برای بقا و گسترش فعالیت‌هایشان نیازمند همکاری سازمان‌های قانونی دولتی هستند. مثال‌ها و حالات زیرین ارتباطات قوی بین جرم سازمان‌یافته و فساد در بخش دولتی را نمایان می‌سازند به‌طوری که شبکه‌های بزه‌کاری عمیقاً وابسته به فساد دولتی هستند تا گردش کالاهای قاچاق را تضمین کرده، پول‌شویی را تسهیل کنند و خطر پیگرد موفق قانونی خود را به حداقل برسانند. در بسیاری از کشورها، فساد ادارات دولتی از قبیل وادارسازی سیستم قضا و صاحب‌منصبان قضایی شاخصه رایج جرم سازمان‌یافته است که به سازمان‌های بزه‌کاری این اجازه را می‌دهد که به‌طور مخفیانه به بقا ادامه دهند و خطر دستگیری و پیگیری قانونی را به حداقل برسانند. اما از طرفی دوران گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازاری غالباً منجر به ایجاد محیطی می‌شود که برای گسترش جرم سازمان‌یافته و فرصت‌های متعدد سوء استفاده از نیروی دولتی مساعد است. اشکال فساد بین مشاغل فاسد و مقامات حکومتی به رشوه محدود نمی‌شود. سردهسته‌های خلافکاران سهم‌هایی از تجارت و کار را برای مقامات دولتی کنار می‌گذارند تا بقای تشکیلات

اقتصادی و تجاری خود را تضمین کرده و قراردادهای تجاری خود را از سرک کشیدن‌های دولتی و تأثیرات قانونگذاری‌های جدید مصون بدارند.^۲

مبانی نظری و چارچوب تحقیق

۱. ماریا پائولا رانا در سال ۲۰۱۱ در رساله کارشناسی ارشد با عنوان "جرم سازمان‌یافته و فساد: یک تحلیل نظری و تجربی" در دانشگاه کلگری، در مقدمه اشاره می‌کند که جرائم فساد از مهم‌ترین موانع توسعه است و در حال حاضر به مهم‌ترین دغدغه نهادهای ملی و بین‌المللی به خصوص سازمان شفافیت بین‌الملل تبدیل شده است. سپس با طرح این فرضیه که رابطه جدی بین فساد و جرم سازمان‌یافته وجود دارد به این مسئله می‌پردازد: آیا می‌توان با یک چارچوب نظری مشخص، رابطه بین جرم سازمان‌یافته و فساد از سویی و تأثیر این دو بر توسعه را ارزیابی و تعریف کرد؟ این رساله با مرور تحقیقات تجربی صورت گرفته، مدلی تحلیلی ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان ارتباط فوق‌الذکر و تأثیر آن بر سطح اقتصاد و توسعه را ارزیابی کرد. (پائولا رانا، ۲۰۱۱)

۲. لمیوکس بر اساس نظریه شبکه‌ها معتقد است در هر سازمان مجرمانه هفت نقش مهم وجود دارد:

۱. سازمان‌دهنده‌ها: که هسته به‌شمار می‌روند و میزان و گستره فعالیت‌ها را تعیین می‌کنند.
۲. محافظت‌کننده‌ها: اطلاعات و دستورات را بین هسته و پیرامون منتقل و در عین حال هسته را در برابر خطر نفوذ محافظت می‌کنند.
۳. مخبره‌کننده‌ها: تضمین می‌کنند که بازخورد دستورات و خط‌مشی‌هایی که به سایر بازیگران شبکه منتقل کرده‌اند مشخص شود.

۴. نگهبان‌ها: که امنیت شبکه را تضمین می‌کنند و اقدامات لازم برای به حداقل رساندن آسیب‌پذیری شبکه در برابر نفوذها و یا حمله خارجی را صورت می‌دهند.

۵. گسترش‌دهنده‌ها: که با عضوگیری‌های جدید و گفت‌وگوهای همکاری با سایر شبکه‌ها و تشویق همکاری با بخش تجاری، دولت و دستگاه قضایی بر گستره شبکه می‌افزایند.

۶. ناظرها: به‌منظور ارزیابی کارآمدی شبکه ایفای نقش می‌کنند؛ به این طریق که ضعف‌ها و مشکلات درون شبکه را به سازمان‌دهندگان اطلاع می‌دهند تا بتوانند آنها را برطرف کنند.

۷. سرپل‌ها یا نفوذی‌ها: بخشی از شبکه تبهکاری به‌شمار می‌روند اما به‌کار در نهادهای قانونی مانند نهادهای دولتی، اقتصادی یا تجاری ادامه می‌دهند. (یوتسشاک، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۲). طبیعی است

هریک از این نقش‌ها مانعی جدی برای مبارزه با جرم سازمان‌یافته است و برنامه پیشگیری باید در خصوص هر گروه طرح و راهبرد متمایز و مستقلی داشته باشد.

آلبانز به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان در حوزه جرائم سازمان‌یافته معتقد است، جدیدترین گونه‌شناسی‌ای که او از جرائم سازمان‌یافته ارائه می‌دهد، شامل فعالیت یا تأمین کالاها و خدمات غیرمجاز و رخنه و سوءاستفاده از کسب‌وکارهای قانونی است. بر طبق نظریه آلبانز،

سه عامل فرصت و مجال، محیط مجرمانه و دسترسی یا مهارت خاص، موجودیت جرائم سازمان‌یافته را توجیه می‌کند.

۱. عامل فرصت، شامل تغییرات اقتصادی، حکومتی، نهادهای مجری قانون و تحولات اجتماعی یا فناورانه است. عوامل اقتصادی، شامل فقر، معیارهای ضعیف زندگی یا تقاضا برای یک محصول غیرمجاز (با توجه به تأمین کافی آن محصول خاص) است. شرایط حکومتی، شامل دولت‌های ضعیفی است که توانایی برخورد کارآمد با جرائم سازمان‌یافته را ندارند، یا قوانین و مقررات آنان برای پرداختن به ماهیت پیچیده جرائم سازمان‌یافته نامناسب است. عوامل مربوط به نهادهای مجری قانون، مواردی چون سطح آموزش، فساد و میزان مداخله دولت را در بر می‌گیرد. کنترل داخلی شامل ناکامی در نظارت بر فعالیت یک مأمور یا ارزیابی سطح آموزش می‌شود. سطح تخصص، در توانایی یا عدم توانایی جرائم سازمان‌یافته برای کسب موفقیت، نقش بسزایی دارد. تغییرات اجتماعی و فناورانه همچون جهانی‌سازی (سفر و ارتباطات نامحدود) نیز بر فعالیت جرائم سازمان‌یافته تأثیرگذار است. توانایی در اداره عملیات یک گروه تبهکار سازمان‌یافته از مسافت‌های دور یا انتقال آسان پول، امکان شکوفایی و رشد جرایم سازمان‌یافته را فراهم می‌آورد.

۲. برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، مهارت‌های خاصی مورد نیاز است. تخصص در رایانه، مهارت در قاچاق، مهارت‌های مدیریتی و دیگر قابلیت‌های فناورانه این امکان را برای جرائم سازمان‌یافته فراهم می‌آورد تا به همان شیوه مورد استفاده در تشکیلات قانونی، رشد کرده و کارایی و کارآمدی بیشتری کسب کنند. کشورهایی که سطح تحصیلات و آموزش در آنها بالاست، این دانش و مهارت‌ها را در اختیار جرایم سازمان‌یافته قرار می‌دهند.

۳. موضوعات مربوط به محیط مجرمانه، مواردی چون وجود یا عدم وجود بازارهای سیاه سازمان‌یافته در کشور، وجود گروه‌های سازمان‌یافته و حضور باندها را در بر می‌گیرد. اگر در یک کشور یا حوزه قضایی، تاریخچه‌ای از فعالیت متعدد و جدی جرم و جنایت وجود داشته باشد، در این صورت وجود جرائم سازمان‌یافته محتمل‌تر خواهد بود (مالوری، ۱۳۹۲: ۷-۷۶).

مجرمین سازمان‌یافته چه خصوصیتی دارند

جرائم سازمان‌یافته بر اساس دیدگاه‌های (نیلور ۲۰۰۲ و روتر ۱۹۸۳) به‌طور کلی به‌وسیله خصوصیتی از قبیل وجود سلسله‌مراتب، ماندگاری سازمان و مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه با هدف دستیابی به منافع مالی یا قدرت برای اعضای اصلی گروه تعریف می‌شود (کاتر، ۲۰۰۹). اما دیپاک گوپتا، جان هورگان و الکس اش‌مید (۲۰۰۹) اعتقاد دارند خصوصیات مجرمین سازمان‌یافته را می‌توان بر اساس موارد زیر برشمرد:

۱. بازیگران جرائم سازمان‌یافته ذاتاً محافظه‌کار هستند: آنها تمایل به مقاومت در برابر تحولات سیاسی و جست‌وجوی شرایط نظم و ثبات دارند که برای فعالیت‌های اقتصادی آنها پربازده‌تر است.

۲. انگیزه غالب گروه جنایی تهیه و تدارک مصالح شخصی یا نیمه‌عمومی است؛ به‌نحوی که فواید کار در میان اعضای اصلی گروه تقسیم می‌شود.
۳. یک گروه جنایی بنا به ماهیت خود، پنهان‌کار بوده و تلاش می‌کند در سطح عمیق‌تری از دستگاه‌های دولتی فعالیت کند. جلب توجه عموم جامعه جزو انگیزه‌های اصلی آنها نیست.
۴. یک گروه جرائم سازمان‌یافته پیشرفته ترجیح می‌دهد که با رشوه و تهدید به تشکیلات سیاسی نفوذ و درون آن فعالیت کند. بدین ترتیب، این نوع گروه‌ها تا مادامی که هدف مستقیم دولت قرار نگیرند، همانند هر نوع فعالیت تجاری دیگر سعی در بهبود وضع موجود دارند.
۵. فعالیت‌های مرتبط با جرائم سازمان‌یافته تنها بخش‌های مشخصی را که اغلب در حاشیه جامعه قرار دارند مورد هدف قرار می‌دهد.

فساد پول‌شویی منشاء جرائم دیگر

در سال‌های اخیر با پرونده‌های کلان فساد اقتصادی به‌ویژه مفاسد دولتی مواجه بوده‌ایم. هرچند فقدان شفافیت در فعالیت‌های مالی دولتی و نظارت نامناسب در کشور ما وقوع چنین مواردی را تسهیل کرده است، به‌نظر می‌رسد حتی در این شرایط نیز پول‌شویی به دلیل اینکه موجب از بین رفتن منشأ مجرمانه درآمدهای حاصل از این جرم می‌شود، برای مرتکبین آن اهمیت داشته باشد و به‌همین دلیل مقابله با پول‌شویی، با توجه به تأثیر آن بر کشف جرائم منشأ و مفاسد پایه آن دارای اهمیت و اولویت مضاعف است و در سطح بین‌المللی در دستور کار قرار گرفته و تاکنون نیز اسناد متعددی در سطح بین‌المللی به تصویب رسیده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ۱۹۸۸ (مشهور به وین). جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰ به این سند ملحق شده است.
۲. اعلامیه کمیته باسل در خصوص جلوگیری از سیستم بانکی به‌منظور پول‌شویی ۱۹۸۸ و رهنمود تکمیلی آن ۲۰۰۱.
۳. کنوانسیون شورای اروپا در خصوص شست‌وشو، ردیابی، توقیف و مصادره اموال ناشی از جرم ۱۹۹۰.
۴. دستورالعمل شورای اروپا راجع به پیشگیری از سوء استفاده از نظام مالی برای پول‌شویی ۱۹۹۱.
۵. کنوانسیون ملل متحد علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی (مشهور به پالمو) ۲۰۰۰. جمهوری اسلامی ایران این سند را فقط امضا کرده و هنوز به‌صورت کامل به آن نپیوسته است.
۶. کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی ۲۰۰۳ (مشهور به مریدا). کشور ما در سال ۱۳۸۷ به این سند ملحق شده است.
۷. دستورالعمل اتحادیه و شورای اروپا در زمینه پیشگیری از سوء استفاده از نظام مالی به منظور پول‌شویی و تأمین مالی تروریست‌ها ۲۰۰۵.

۸. توصیه‌های تجدیدنظرشده نیروهای ویژه اقدام مالی برای مبارزه با پول‌شویی (۲۰۰۹)، (مشهور به FATF) ۲۰۱۲.

۹. دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در این تحقیق با کمک مهم‌ترین اسناد بین‌المللی موجود که با توجه به تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران برای نظام حقوقی داخلی ما نیز آثار و پیامدهای مهمی دارند، ارکان جرم پول‌شویی، تدابیر پیشگیرانه و واکنشی مقابله با پول‌شویی و در پایان همکاری‌های قضایی بین‌المللی در زمینه مقابله با این جرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ همچنین در ضمن مباحث، مقررات نظام حقوق داخلی نیز در این زمینه بررسی خواهد شد. (نصیری، ۱۳۹۴: ۴-۴۲).

بر اساس بررسی‌های میدانی، مهم‌ترین دلایلی که برای فساد سازمان‌یافته می‌توان ذکر کرد، عبارت‌اند از:

۱. مشکلات ساختاری اساسنامه‌های سازمان یا مؤسسات اقتصادی و تجاری.
 ۲. منفعل بودن سازمان‌ها در برابر تخلفات متعدد.
 ۳. عدم نظارت و اعمال و وظایف مصرح در اساسنامه از سوی سازمان‌های مسئول.
 ۴. سوء مدیریت و تصمیمات نسنجیده خلاف قانون از سوی برخی رؤسا.
 ۵. عدم نظارت بر نحوه هزینه‌ها.
 ۶. سهم‌خواهی جریان‌ات سیاسی از برخی سازمان‌ها.
 ۷. عدم نظارت بر عملکرد مدیران.
 ۸. افزایش بی‌رویه نرخ دستمزد و پاداش‌های هیئت مدیره‌ها.
 ۹. نقض مقررات و قوانین توسط بعضی از مدیران.
 ۱۰. عملکرد ضعیف و توأم با تبعیض ارکان قضایی.
 ۱۱. استنکاف برخی از مسئولان از خصوصی‌سازی.
 ۱۲. اعمال نفوذ یا عدم اجرای احکام قطعی در بعضی از پرونده‌های مهم.
 ۱۳. تأخیر و تعلل مراجع نظارتی، انتظامی، امنیتی و قضایی در کشف و برخورد با فساد.
 ۱۴. انتصاب اشخاص فاقد تخصص در سمت‌های تخصصی مدیریتی.
- در ادامه با توجه به گستردگی موضوعات و لزوم اختصاص، به گوشه‌ای از عوامل و نشانه‌های بروز آن اشاره می‌شود:

۱. انتصاب افراد سیاسی و غیرمتخصص در پست‌های مدیریتی؛ برای نمونه گزارش پرونده "فساد در فوتبال" که از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تهیه و در صحن مجلس قرائت شد، یا انتصاب یکی از مدیران با ۲۸ سال سن که در کنارش یکی از کارکنان زیرمجموعه دارای ۳۲ سال سابقه بایستی از این مدیر اطاعت کند.
۲. هزینه‌کرد غیرشفاف منابع مالی در برخی موسسات و سازمان‌ها؛ از طرفی سازمان‌ها برنامه دارند اما برنامه‌گریزی در عمده سازمان‌ها باب شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل وجود فساد و جرم

سازمان یافته در ایران را می‌توان، منابع مالی دولتی و عدم شفافیت در هزینه‌کرد آن دانست. برای نمونه مدیرعامل یکی از باشگاه‌های مشهور، به بهانه نبود بودجه کافی، ۱۱ شرکت اقتصادی تأسیس کرده و همچنین در پوشش‌های مختلف مبادرت به انجام واردات می‌کرد.

۳. فرار مالیاتی علی‌رغم اقدامات قانونی سازمان امور مالیاتی جهت وصول مالیاتی تکلیفی و حقوقی از شاغلین فوتبال و وصول مبالغی از اشخاص حقیقی یا حقوقی: در حال حاضر متأسفانه بدهی مالیاتی به انضمام جرائم فدراسیون فوتبال، باشگاه‌های ورزشی شاغل در لیگ برتر، مربیان، بازیکنان و سایر اعضای کادر فنی، جمعاً مبلغ ۶۷۲/۲۹۷/۷۷۵/۱۸۰ ریال است که به دلایل نامعلومی، علی‌رغم پیگیری متعدد کمیسیون اصل ۹۰، سازمان امور مالیاتی، میزان بدهی باشگاه‌های ذوب آهن اصفهان، سپاهان و سپاه جامگان مشهد را اعلام نکرده است. ... اما، به دلیل دوگانگی در برخورد با برخی ورزشکاران حرفه‌ای، عده‌ای از این وضعیت سوءاستفاده کرده‌اند.

۴. تبانی توأم با رشا و ارتشا در فوتبال و مزایده‌ها و مناقصات وجود دارد که مصادیقی از آن در فوتبال کشف شده است. تبانی در بعضی از مسابقات لیگ برتر و لیگ ۱ و ۲ تحقق می‌یابد. اوج بروز این پدیده شوم در مواعید حساس مسابقات که مؤثر در قهرمانی یا سقوط و ابقای تیم‌هاست، ظاهر می‌شود.^۳

فساد چه تأثیری در جامعه و سیستم‌های دولتی می‌گذارد؟

باید اذعان داشت که اسباب و عوامل فساد بیش از پیش به وضعیت کشور مورد نظر بستگی دارد و میزان توسعه سیاسی یک کشور، میزان توسعه حقوقی آن، خط‌مشی‌ها و شرایط اقتصادی آن کشور و ... همه و همه در میزان فساد مؤثرند. هر کجا فساد ریشه بدواند، مقابله با آن بسیار دشوارتر می‌شود و ریشه‌های آن هر روز عمیق‌تر در بطن جامعه نفوذ می‌کند. (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳)

فساد موجب انحطاط است. سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد، باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود و به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور جامعه می‌انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش و بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی افزایش می‌یابد. فساد، اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی جامعه را متزلزل می‌کند، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و رشد رقابت‌پذیری را دشوار می‌سازد و مسیر رشد توسعه اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد. (همان: ۲)

یکی از عناصر مهم گشودگی و باز بودن حکومت قابلیت دسترسی شهروندان به اطلاعات حکومتی است. بر اساس قانون آزادی اطلاعات کشور کانادا این حق قانونی و عملی به شهروندان کانادایی و نیز افراد و شرکت‌های مقیم در کانادا داده شده است که بنابر یک‌سری اصول معین و برخی استثنائات به کلیه اطلاعات حکومت فدرال دسترسی داشته باشند ... بر اساس قانون حریم خصوصی شهروندان کانادایی و هر فرد دیگر حاضر در کانادا - مشروط به

یک سری استثنائات - حق دسترسی به اطلاعات مشخص درباره خود دارا است. (همان، ۱۳۸۹: ۷).

شفافیت و کاهش فساد

آیا شفافیت کلید کاهش فساد در کشورها است؟ منظور از شفافیت، دسترسی مستمر و قابل اعتماد همه ذی‌نفعان به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. برخی از مشکلات ناشی از عدم شفافیت عبارت‌اند از:

- **فساد را کم‌خطرتر و جذاب‌تر می‌کند:** روشن است که افزایش شفافیت، خطر کشف و دستگیری مقامات فاسد را افزایش می‌دهد و با ضعف شفافیت، جذابیت منافع فساد بیشتر می‌شود. شفافیت ادله اثبات را تقویت و احتمال محکومیت را بالا می‌برد و برعکس، ضعف شفافیت احتمال بی‌کیفر ماندن را بالا می‌برد. از مزایای دیگر شفافیت، کاهش بهانه و میزان رشوه است.
- **انگیزه‌سازی را تقویت می‌کند:** تمام سیاست‌های تشویقی که برای افزایش کارکرد و بهبود کیفیت طراحی می‌شود در صورتی قابل اعمال است که اطلاعات روشنی از عملکرد زیرمجموعه وجود داشته باشد. برای این اطلاعات نمی‌توان به گزارش شخصی کارکنان اعتماد کرد. نبود شفافیت، فساد در عملکرد و ارائه اطلاعات را میسر و انگیزه‌سازی را بی‌اثر می‌کند.
- **انتصاب بهترین‌ها:** در سازمانی با شفافیت کمتر، پیدا کردن و انتصاب اشخاص امین و کارآمد دشوار می‌شود. چه‌بسا فقر نظارت و اطلاعات به انتصاب یک شخص فاسد بینجامد.
- **پیدایش رانت‌های اطلاعاتی:** محدودیت شفافیت به معنای محرمانه‌بودن اطلاعات است. دسترسی عده محدود به طیف گسترده‌ای از اطلاعات محرمانه بهانه‌ای برای شکل‌گیری روابط و معاملات اطلاعاتی و شکل‌گیری شبکه‌های سازمان‌یافته‌ای از فساد است.
- **به ضعف اعتماد عمومی به نهادهای رسمی می‌انجامد.** (کلستاد، ۲۰۰۹: ۵۲۳)

شفافیت و رسانه

ضرورت شفافیت بیشتر در مبارزه با فساد مالی و اداری مطرح می‌شود. از آنجا که بیشتر جرائم فساد به شکل سازمان‌یافته ارتکاب پیدا می‌کنند، در مبارزه با این جرائم نیز توسل به شفافیت ضروری است. نخستین بار، کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ ضرورت شفافیت را مطرح کرد: کنوانسیون دول عضو را ملزم می‌کند که در جهت افزایش مشارکت‌های فردی و گروهی در کاهش فساد یا مبارزه علیه آن و افزایش آگاهی عمومی نسبت به وجود، علل و شدت فساد و تهدیدات ناشی از آن تلاش کنند. برای این جلب مشارکت تضمین این نکته لازم است که «عموم دسترسی موثری به اطلاعات دارند». پس دولت ملزم است «آزادی

برای جست‌وجو، دریافت، انتشار و عمومی‌سازی اطلاعات مربوط به فساد را محترم بشمارد، تقویت و حفاظت کند.»^۴

شفافیت و انتشار اطلاعات در زمینه جرائم فساد با چالش‌هایی روبه‌روست. تجربه رسانه‌های کنیا به‌عنوان کشوری که در رتبه سی‌وسوم فسادخیزترین کشورهای دنیا و سومین کشور فسادخیز آفریقایی قرار دارد، قابل توجه است. مهم‌ترین چالش‌های شفافیت در این کشور-که مشابه آن را در کشورهای دیگر نیز می‌توان دید- به شرح زیر است:

چالش‌ها و نقایص بیرونی

قوانین سختگیرانه

در تمام کشورها قوانین اساسی، آزادی بیان و اطلاعات را لازم می‌شمارند اما قوانینی دارند که این حق را مقید می‌کند. برای مثال در قوانین کنیا آزادی بیان با قیود مبهمی مثل امنیت ملی، سلامت عمومی، نظم عمومی و اخلاق عمومی محدود می‌شود. همچنین قوانین کیفری ناظر به توهین و افترا و نشر اکاذیب، انتشار اطلاعات مربوط به فساد را دشوار و مخاطره‌آمیز می‌کند. (جارسو، ۲۰۱۰: ۲-۷۱)

تهدید و اعمال قدرت

کمتر رسانه‌ای است که برای انتشار اخبار فساد در معرض سانسور دولتی و تهدید توسط مرتکبین نبوده باشد.

فقدان عزم رسمی

انتشار اطلاعات فساد متوقف بر حمایت رسمی است. حمایت رسمی زمانی صورت می‌پذیرد که در سطوح مدیریتی و حکومتی عزمی جدی برای مبارزه با فساد شکل گرفته باشد. این عزم در کشوری مثل کنیا بسیار ضعیف است. در این کشور بسیاری از مقامات ذی‌نفع جرائم فساد و بنابراین نسبت به شفافیت در این زمینه بی‌میل هستند. (همان: ۸۲).

چالش‌ها و نقایص درونی (مربوط به خود رسانه‌ها)

تأکید افراطی بر فساد در بخش دولتی

رسانه‌های کنیا عمدتاً بر فساد بخش دولتی تأکید کرده از فساد بخش خصوصی غافل شده‌اند. حال اینکه اهمیت این دسته از جرائم کمتر از فساد رسمی نیست. (همان: ۸۳)

شهری و نخبه‌محوری اطلاعات

رسانه‌ها به تمام جرائم فساد نمی‌پردازند بلکه بیشتر تحت تأثیر علایق و اولویت‌های نخبگان و طبقه شهرنشین به گزینش می‌پردازند. بنابراین فسادهای مرتبط با غیرشهرنشین‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. (همان: ۸۴)

فساد رسانه‌ای

بر اساس گزارش مرکز شفافیت بین‌الملل فساد مجامع رسانه‌ای نیز قابل توجه است. برای مثال نمره رسانه‌های کنیایی در فساد ۱/۸ از ۵ است در حالی که نمره مراکز حکومتی ۳/۵ از ۵. (همان: ۸۴).

عدم پیگیری

رسانه‌ها نیز مثل افکار عمومی به محض وقوع یک جرم مهم مثل فساد یکباره و برای مدت ناچیزی برانگیخته و هیجانی می‌شوند. اما به‌زودی دچار فراموشی شده، از پیگیری سرنوشت پرونده منصرف می‌شوند. حال آنکه مراحل بعدی، بسیار مهم‌تر از افشای اولیه است. (همان: ۸۵).

رسانه و پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم (Crime prevention) در حقیقت به معنای به‌کارگیری شیوه‌ها یا اقدامات غیرکیفری به منظور جلوگیری از وقوع جرم و محدود کردن آن است که عمدتاً به مرحله قبل از وقوع یا هنگام وقوع برمی‌گردد (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۹). هرچند گاهی مواقع رسانه‌ها پیشاپیش به قضاوت و محکوم کردن اقدامی می‌پردازند بدون اینکه از خود بپرسند که چنین "رسانه‌ای کردن اتهام" چه نتایج و پیامدهایی را می‌تواند در بر داشته باشد. و برعکس گاهی مواقع پیش از صدور حکم دادگاه متهمی را تبرئه می‌کنند (ر.ک سرون، ۱۳۸۷: ۱۱۲). جرم و رسانه، دو موضوعی هستند که طی سال‌های اخیر توجه بسیاری را در کشورهای مختلف و در حوزه‌های گوناگون به خود جلب کرده است زیرا از یک طرف، جرم، دارای معانی و ابعاد متعددی است که در سطح جامعه، برخی از افراد مرتکب آن می‌شوند و از سوی دیگر، رسانه‌ها نیز ابعاد و جنبه‌های مختلف و متنوعی دارند که با توجه به گستردگی و نفوذ خود در اجتماع، بر مجرمان و جرم و افکار عمومی تأثیر می‌گذارند. (بخشی‌زاده، ۱۳۹۲)

بدون رسانه‌ها، پیشگیری از ارتکاب و وقوع جرم، نتیجه مثبت نخواهد داشت به خصوص در رابطه با جرائمی همچون جرائم سازمان‌یافته و اقتصادی؛ مردم می‌توانند از طریق دریافت پیام و هشدار پلیس و انعکاس آن در تمام اداره‌ها، از به دام افتادن نجات یابند.

به موجب بند پنجم از اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، جزو وظایف اصلی قوه قضائیه است. قوه قضائیه در چند سال اخیر اقدامات جدی در زمینه پیشگیری از بزه‌کاری را در دستور کار خود قرار داده است. مسئولیت مستقیم پیشگیری از وقوع جرم، با قوه قضائیه است، ولی این قوه به تنهایی قادر به انجام این وظیفه نیست و نیازمند تعامل با دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهاست؛ یکی از این ابزارها مطبوعات است.

با توجه به بند دوم اصل سوم قانون اساسی، اقدام قوه قضائیه، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی مردم در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات، مستلزم عنایت اصحاب مطبوعات در راستای رسالت مطبوعاتی خود و تعامل قوه قضائیه با مطبوعات و حمایت لازم از مطبوعات است (صوفی آبادی، ۱۳۸۹: ۴-۴۳). توصیه مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۹۴/۴/۷ یکی از محورهای ۷ گانه توصیه مقام معظم رهبری در خصوص "تلاش سازمان یافته پیشگیری از جرم" که ایشان فرمودند: «باید تلاشی سازمان یافته در زمینه پیشگیری از جرم صورت پذیرد، چراکه در غیر این صورت، جرائم، مدام افزایش و گسترش می‌یابند و مدیریت کلان آنها ممکن نخواهد بود.» برای جلوگیری از بروز جرائم سازمان یافته در کشور بحث پیشگیری و مقررات پیشگیرانه بسیار مؤثر است و باید به آن توجه کرد. زیرا همیشه پیشگیری با قانون نیست بایستی زمینه‌ها و بسترها را از بین برد. لذا برای اینکه افکار عمومی را نسبت به موضوعات جرائم سازمان یافته آگاه سازیم، لازم است ابزارها به صورت مکمل فراهم شود تا میزان اثرگذاری مؤثر صورت گیرد. مثلاً یک یا چند شبکه تلویزیون این موضوع را در قالب میزگرد به بحث بگذارند و نشریات با پرداخت مقالات به تفسیر بیشتر آن بپردازند.

امروزه رسانه‌های جمعی با کارکردهای مشخص و تعیین شده خود، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. ایفای نقش اثرگذار رسانه‌ها، آنها را به عنوان اثرگذارترین عامل نظم، امنیت اجتماعی، وفاق، همبستگی و مشارکت مردمی تبدیل کرده است. همچنین رسانه‌های جمعی نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه‌های سیاسی، امنیتی و برانگیختن مشارکت مردمی در تأمین امنیت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها در برقراری ارتباط عقلانی و گسترش فضاهای عمومی به همراه تبیین اهمیت و ضرورت یک موضوع نقش بسزایی دارند. بر همین اساس، رسانه‌ها با پوشش خبری و اطلاع‌رسانی وقایع امنیتی و جنایی به شیوه‌های مطلوب و ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب در خصوص ضرورت امنیت اجتماعی در جامعه و پیشگیری از بزه و حتی آموزش چگونگی حفاظت از مال، جان و ناموس خود، زمینه مساعدی را برای این همکاری و مشارکت مردمی به وجود می‌آورند. رسانه‌ها به عبارتی یک میدان عمومی جدید برای گفت‌وگوی میان انسان‌ها تلقی می‌شوند که از طریق آنها همه می‌توانند با هم تماس بگیرند و ارتباط برقرار کنند. بر اثر همین ارتباط و نزدیکی انسان‌ها، تفاهم ایجاد می‌شود و تقابل خصمانه و خشونت (یا همان عدم امنیت عمومی) از میان می‌رود و در واقع رسانه‌ها جهانی نوساخته‌اند که حذف آنها از این دنیا میسر نیست. رسانه‌ها بر حسب دگردیسی کارکردی، تعاریف جدیدی یافته‌اند که با تعاریف سنتی تا حد قابل توجهی متمایز است. یکی از جدیدترین تعاریفی که اندیشمندان و صاحب‌نظران رسانه‌های جمعی با تأکید بر موضوع و هدف رسانه‌ها مطرح کرده‌اند، عبارت است از انتقال اطلاعات، اندیشه‌ها، نگرش‌ها یا عواطف از یک شخصی یا گروهی به دیگری یا دیگران که عمدتاً از طریق نمادها صورت می‌گیرد. رسانه‌ها در دنیای کنونی بسیار پیچیده‌اند و در عین تنوع از پیچیدگی خاصی برخوردارند، بر

این اساس رسانه‌ها در روند تثبیت یا وفاق و امنیت عمومی و پیشگیری از جرم، مشارکت همه‌جانبه مردم در تأمین امنیت عمومی و شرکت در نظام عدالت‌کیفری با نقش‌ها و کارکردهای مختلفی، نمود می‌یابند، کارکردهایی که برآمده از توجه یا بی‌توجهی به ساختار فرهنگی جامعه و شدت و شتاب تغییرات آن است. رسانه‌های جمعی در فرایند تداخل ضروریات اجتماعی و فرهنگی که از شتابزدگی تاریخ در عصر ما نشأت می‌گیرد، می‌توانند نقش سازنده داشته باشند. آنها می‌توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، ملی، فرهنگی و تاریخی به تشدید توسعه بپردازند. روشن است که در یک نظام هماهنگ رسانه‌ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه تقویت امنیت اجتماعی مدنظر است؛ اما در از هم‌گسیختگی رسانه‌ها، تهدید امنیت اجتماعی و زوال آن به‌طور قطع قابل پیش‌بینی است. (مشکوٰۃ رضوی، ۱۳۸۷)

تأثیر فناوری اطلاعات و فرهنگ شفافیت

جان‌سی برتولت، استفاده از فناوری‌های اطلاعات برای ایجاد فرهنگ شفافیت، دولت الکترونیک و رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهای علنی‌سازی و مبارزه با فساد در جوامع امروزی را مد نظر قرار داده است.

شفافیت در سطح بین‌المللی بعد از مذاکرات جنگ جهانی اول مورد توجه قرار گرفت اما مدت زیادی گذشت تا کشورها در پذیرش و اهتمام نسبت به آن جدیت نشان دهند. تا نیمه‌های دهه ۱۹۸۰ صرفاً ۱۱ کشور دارای قوانین مربوط به آزادی اطلاعات بودند و این تعداد در سال ۲۰۰۴ به ۵۹ کشور رسید. مهم‌ترین عامل در شفافیت، دستیابی به طرق اطلاعاتی است. این طرق اطلاعاتی اعم از سازوکارهای دولتی، پلیس یا نفوذی‌ها هستند. مهم‌تر از همه، برخورداری یک کشور از قوانین تسهیل‌کننده شفاف‌سازی است. بر اساس مطالعات، کشورهای واجد چنین قوانینی ۳ برابر سایر کشورها برای ارائه اطلاعات تمایل دارند. از عوامل دیگری که در سال‌های اخیر جمع‌آوری و دسترسی به اطلاعات رسمی را تقویت کرده، اینترنت و پیدایش دولت الکترونیک است. نمونه‌ای از توفیقات کشورها در این زمینه به شرح زیر است:

- در هندوستان سوابق مالی افراد به‌صورت برخط و مرتباً ثبت و به‌روزرسانی می‌شود. این اقدام فرصت دریافت رشوه توسط مقامات محلی را کاهش داده است. در چند سال اولیه اجرای این طرح حداقل از پرداخت ۸۰۶ میلیون روپیه ممانعت شد. به این ترتیب دولت توانسته است مانع اتلاف ۱/۳۲ میلیون روز کاری از ۷ میلیون کشاورز شود. در حالت قبلی این مدت از عمر کشاورزان در صف انتظار کار سپری می‌شد.
- در پاکستان سیستم مالیاتی به‌نحوی اصلاح شد که پرداخت‌ها به‌نحو برخط صورت پذیرد و ارتباط بین پرداخت‌کنندگان و مأمورین مالیات کاهش یافت. در نتیجه فرصت اخذ و دریافت

رشوه نیز کاهش یافت. در فیلیپین سیستم دلالی اینترنتی ایجاد و متولی برگزاری مزایده‌ها شد. در نتیجه زمینهٔ تقلب و فروش با قیمت ثابت و پاسخگویی به عموم فراهم شد.

● در شیلی سیستم حراج اینترنتی راه‌اندازی شد تا قیمت کالاهای مزایده‌ای و خدمات دولتی در معرض دید عموم قرار گیرد. در این سیستم اطلاعات مالی بیش از ۵۰۰ پیمانکار و ۶۰۰۰ خدمات دهنده ثبت شده است. این سیستم از تثبیت قیمت‌ها و ایجاد تورم ناشی از فساد نهادهای دولتی جلوگیری می‌کند و منشأ ۱۵۰ میلیون دلار صرفه‌جویی سالانه است. (برتوت و دیگران، ۲۰۱۰: ۲۶۵)

● در فیجی استفاده از دولت الکترونیک برای جلوگیری از فساد، تغییر نگاه عمومی به دولت، اعتماد بیشتر مردم و افزایش مسئولیت‌پذیری مقامات دولتی به شهروندان را در پی داشته است.

● در ایالات متحده سایت‌هایی برای دسترسی عمومی به اطلاعات هزینه‌های دولتی، فعال‌سازی دلار، کمک‌هزینه‌های عمومی و کمک‌هزینه‌های فناوری اطلاعات راه‌اندازی شده است. راه‌اندازی این سایت‌ها به هدف ارتقای نظارت عمومی بر پروژه‌های پرهزینه بوده است. چنین سایت‌هایی را برخی از فرمانداری‌ها به‌طور مستقل نیز تاسیس کرده‌اند.

● مالزی: کمیتهٔ ضد ارتشای مالزی، که در سال ۲۰۰۹ میلادی بر اساس قانون جدید ضد ارتشا تشکیل شده است. حداکثر ۲۰ سال زندان و پرداخت غرامتی معادل ۵ برابر میزان رشوه یا ۱۰ هزار رینگیت. (گزارش مالزی، ۲۰۱۴)

● سنگاپور: مجازات فساد اقتصادی در کشور سنگاپور، غرامت ۱۰۰ هزار دلاری علاوه بر بازگرداندن مبلغ اختلاس، حداکثر ۵ سال زندان و یا هر دو است. در مشاغل دولتی این حبس تا ۷ سال نیز به طول می‌انجامد. (جانس، ۲۰۱۴: ۳)

علاوه بر سازوکارهای دولت الکترونیک، رسانه‌های اجتماعی اعم از وب‌نوشت‌ها، شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک، توئیتر، سایت‌های اشتراک‌گذاری چندرسانه‌ای مثل یوتیوب و فلیکر نیز ابزار مؤثری در مبارزه با فساد هستند. ویکی‌لیکس نمونه بارز یک رسانه اجتماعی است که با انتشار بیش از ۱/۵ میلیون سند، در زمینه فساد به افشاگری می‌پردازد. (برتوت و دیگران، ۲۰۱۰: ۶۲۲).

به‌طور کلی سازوکارهای دولت الکترونیک به شیوه‌های زیر می‌تواند باعث کاهش فساد شود:

- ارائه اطلاعات در خصوص نقش‌های دولت و حقوق شهروندی
- ارائه اطلاعات در خصوص اقدامات و تصمیمات دولتی
- تقویت نظارت بر اعمال و معاملات دولتی
- معرفی مقامات منتخب و نهادهای خدماتی تحت تعقیب به دلیل فعالیت‌های فساد و کلاهبرداری.
- ممانعت از فعالیت سرمایه‌داری و تجاری مقامات منتخب و نهادهای خدماتی

فناوری اطلاعات و ارتباطات همیشه در جهت مبارزه با فساد کارکردی مثبت ندارند. مهم‌ترین محدودیت‌ها عبارت‌اند از مشکلات زیرساختی که دسترسی به رایانه و اینترنت را دشوار می‌کند، عدم آشنایی عموم با زبان فنی، بی‌اعتمادی به نهادهای اداره‌کننده سیستم.

ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی

از لحاظ حقوق موضوعه و قانون اساسی تصدی امور پیشگیری از جرم طبق ۵ بند اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر عهده قوه قضائیه است اما این امر دارای چنان ابعاد گسترده و جوانب مختلفی است که برخی از استادان علوم جنایی به درستی بر این باورند که اساساً مدیریت پیشگیری از جرم شایسته مقامی فرابخشی و در نظام ایران در شأن مقام رهبری است. بدین ترتیب مقام رهبری به لحاظ دارا بودن شأن نظارت و هدایت قوای سه‌گانه، گاه دستور تشکیل ستادهایی را صادر کرده‌اند که ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی یکی از آنهاست. ستاد مذکور طی فرمان مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ و با عضویت رؤسای سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه تشکیل شد. طبق مفاد فرمان مقام معظم رهبر یکی از اهداف تشکیل این ستاد ایجاد فضای اقتصادی سالم در جامعه جهت اشتغال جوانان و سرمایه‌گذاری بوده است و هر یک از رؤسای قوای سه‌گانه مأموریتی را در جهت تحقق این هدف بر عهده گرفته‌اند؛ برای نمونه «قوه مجریه باید با نظارتی سازمان‌یافته و دقیق و بی‌اغماض از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها پیشگیری کند و قوه قضائیه با استفاده کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن را از سر راه تعالی کشور بردارد و در نهایت قوه مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راهکاری قانونی است و نیز ایفای وظیفه نظارت نقش مهمی خواهد داشت»

از نظر تشکیلاتی تشکیل نهادهای موقتی با عناوینی همچون «ستاد» که نشانگر این امر است که با پایان یافتن چنین جرمی، این نهاد نیز خاتمه خواهد یافت تا حدودی قابل اصلاح است؛ زیرا مفاسد و جرائم اقتصادی، امری نیست که پس از چندی به‌طور کلی از صحنه اجتماعی محو شود بلکه از آنجا که وجود این پدیده تقریباً پیوسته و دائمی است فلذا نهادهای متولی پیشگیری از آن نیز بایستی دارای ساختاری دائمی و سازمان‌یافته باشند ... در کنار این مطالب می‌توان بر لزوم تبیین راهکارهای مشارکت نهادهای غیر دولتی در نظارت بر ساختارها و فرایندهای دولتی جهت پیشگیری و مقابله با مفاسد و جرائم اقتصادی تأکید کرد زیرا دولت به‌تنهایی ناظر خوبی برای دولت نیست. به دیگر سخن گرچه رؤسای قوای سه‌گانه هرگز سوءنیتی در جهت چشم‌پوشی از تخلفات مأمورین دولتی - به معنای اعم کلمه - نداشته‌اند اما شاید مدیریت ایشان بر نهادهای زیر نظر ایشان، همراه با نوعی خوش‌بینی غیرواقعی بینانه باشد که تنها با وجود مشارکت نهادهای غیر دولتی قابل رفع خواهد بود. به هر حال این ستاد پس از گذشت ۱۵ سال از تشکیل آن؛ اقدام مؤثری انجام نداده بلکه در مورد سایر جرائم و تخلفات مرتبط با نظام اقتصادی کشور نیز بی‌تأثیر بوده است [باعنوان مثال رئیس ستاد که معاون اول

رئیس‌جمهور (سابق) است به جرم فساد و جرائم دیگر در زندان به سر می‌برد]. علی‌رغم تمامی انتقادهای وارده، این ستاد می‌تواند با ایجاد تغییراتی در ساختار راهبردهای خود نقش سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای مؤثر در زمینه پیشگیری از جرائم اقتصادی و جرائم سازمان‌یافته را به‌درستی ایفا کرد. (ر.ک قاسمی مقدم و همکاران، ۱۳۸۸: ۳-۶۲)

نقش مهم رسانه‌ها در افشای جرائم سازمان‌یافته

رسانه‌ها نقش مهمی را در توجه به جرائم بازی می‌کنند. آنها می‌توانند این موضوع را با بزرگ و واقعی جلوه‌دادن مطالب درباره آن بگویند تا بیشتر در ذهن افراد مجسم شود و پیغام را بهتر به خواننده منتقل کنند (ر.ک آلوم و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۶-۱۵۵). گزارش‌های موجود در روزنامه‌ها می‌بایست با دقت و توجه خواننده شود. چراکه ممکن است اشتباهی در آنها رخ دهد. قسمت‌هایی که بیشترین عنوان را دارد و وقایع زنده نسبت به داستان‌هایی که هیجان کمتری دارند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. (همان: ۱۵۶).

اصول حاکم بر رسانه‌ها چگونه پرداخته می‌شود؟

هر رسانه‌ای متضمن اصولی است که گمراه‌کننده نیست بلکه به شیوه کاری خود شکل می‌دهد. به‌خاطر داشته باشید که روزنامه‌ها تقریباً شبیه همه شکل‌های رسانه‌ای تجاری هستند. یک هدف مهم روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های گروهی به‌وجود آوردن یک سود با فراهم‌آوردن اطلاعات و سرگرمی‌هاست. مکرراً روزنامه‌ای که شما می‌خوانید بخشی از یک امپراتوری رسانه‌ای بزرگ است که ممکن است بر شیوه اجرایی روزنامه تأثیر می‌گذارد. (هارپر، ۱۳۸۷: ۱۲۰) وقتی نشریه‌ای درصدد بررسی و فاش کردن اختلاس مالی در دستگاه دولت است و قبل از آنکه مطالب را چاپ کند دولت کلیه مدارک و اسناد و شواهد مالی بانکی‌اش را ارائه داده و پس از بررسی ثابت می‌شود که هیچ سوء استفاده و اختلاسی صورت نگرفته است، اما روزنامه همچنان درصدد چاپ مطالب غیرواقع و اشتباه برآید و داستان را به چاپ برساند در این شرایط او از قانون خارج شده است و دیگر تحت حمایت قانون نیست. (هارپر، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

عواقب (مضرات) نمایش رسانه‌ای جرم

انتشار جرائم از طریق رسانه، موجب بزه‌کاری افراد مستعد به جرم می‌شود. انسان‌ها زمانی که مکرراً در معرض صحنه‌های خشن قرار می‌گیرند، بدان خوگرفته و آن را عادی تلقی می‌کنند و به مرور زمان نسبت به آن بی‌تفاوت می‌شوند. پخش مکرر برنامه‌ها و فیلم‌های خشونت‌آمیز که سرانجام خوش دارند این توهم را در افراد ایجاد می‌کند که رفتار خشن در حل مسائل و

مشکلات روزمره وسیله‌ای مؤثر و با ارزش است و وی را بر آن می‌دارد که در شرایط و موانع خاص به رفتار تهاجمی دست زند. (یوسفیان شوره‌دلی و محمدی دارابی، ۱۳۹۲: ۱۳)

تضعیف کنترل‌ها. بر اساس برخی از نظریات جرم‌شناختی (مانند نظریه هیرشی) همه افراد مستعد ارتکاب جرم‌اند و آنچه مانع مجرم‌شدن برخی می‌شود وجود کنترل‌کننده‌های درونی و بیرونی است. یکی از مهم‌ترین کنترل‌کننده‌های بیرونی، ترس از دستگیری، محاکمه و مجازات است. این کنترل زمانی قوت دارد که افراد، سیستم پلیس و دادگستری را قدرتمند و سالم و قاطع ببینند. نمایش مقابله با جرم در رسانه‌ها گاه بر ضد این ضرورت انجام می‌شود. مطالب رسانه‌ای که پلیس را ضعیف، نظام قضایی را غیرقاطع و فرار از مجازات را ممکن نمایش می‌دهند، این کنترل را تضعیف کرده، به ارتکاب جرم دامن می‌زنند. مهم‌تر از "ضعیف‌نمایی" سیستم، "فاسدنمایی" آن است. مطالب رسانه‌ای که پلیس یا قضات را فاسد نشان می‌دهند، مشروعیت کل سیستم را در نظر افراد مخدوش می‌کنند و بنابراین دیگر چیزی برای کنترل کردن نمی‌ماند. (گریور و رینر، ۲۰۱۲: ۲۵۸)

مشکلات پوشش رسانه‌ای جرائم فساد

دو معضل بزرگ فراروی رسانه‌ها در پوشش فساد وجود دارد:

نخست، تهدیدات فیزیکی که از جانب مجرمان و سازمان‌های مجرمانه متوجه اهالی رسانه است. بر اساس گزارش فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۰۱ از ۶۸ مورد قتل عمد اثبات شده، ۱۵ مورد به تحقیقات روزنامه‌نگار به قتل رسیده در خصوص فساد مرتبط بوده است. (پیترز، ۲۰۰۳: ۴۳)

تهدید مهم دیگر، قانون است. قوانین بسیاری از کشورها دارای جرم نشر اکاذیب، افترا و توهین هستند و این تهدیدی برای پوشش رسانه‌ای فساد است. قوانین رسانه‌ای برخی از کشورها محدودیت‌های بیشتری دارند. برای مثال در قوانین قزاقستان، حفظ اعتبار مقامات رسمی در اولویت است، بنابراین حتی اگر آیت‌م رسانه‌ای مستند به ادله و بیان حقیقت باشد به جرم توهین محکوم می‌شوند. (همان: ۴۹)

لازم به ذکر است مطابق قوانین ایران اتهامات نشر اکاذیب و افترا و تحت شرایطی توهین به شرطی ثابت می‌شوند که حقیقت مطلب استنادی با ادله متقن قابل اثبات نباشد.

مشکل عمده دیگر، وابستگی رسانه‌ها به مراکز قدرت است که خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهد. بسیاری از رسانه‌ها دارای منابع مالی دولتی یا شرکتی و برای تأمین رضایت حامی (اسپانسر) ناچار به تبلیغات و نشر مطلب هستند (همان: ۵۱). در شدیدترین نوع، بسیاری از رسانه‌ها اقدام به دریافت رشوه‌های آشکار یا غیرآشکار می‌کنند. بارزترین جلوه این رشوه‌گیری، استفاده رایگان از خدمات توریستی مراکز اقامتی، وسایل حمل‌ونقل و سایر امکانات رفاهی است که امروزه بسیار رایج است (همان: ۵۲). طبیعتاً زمانی که میزبان اهالی

رسانه مجرمین فساد یا جرائم سازمان یافته باشند، این وامداری بر کیفیت پوشش رسانه‌ای اثرگذار خواهد بود. بر این اساس برای رفع این معضل، مدیران رسانه‌ها با تقویت مالی کارکنان خود، راه را بر وابستگی اقتصادی ایشان به بیرون ببندند و هرچه بیشتر در جهت استقلال رسانه حرکت کنند. (همان: ۵۴)

پیشنهادها

یکی از انواع جرائم هر جامعه، فساد سازمان یافته است و از اینکه در جامعه به وقوع می‌پیوندد، جزو جرائم اجتماعی هم نام دارد. این جرم در هر کشوری رخ می‌دهد. ولی خطرناک‌ترین جرائم به‌شمار می‌رود. هر چند وقوع جرائم سازمان یافته مطابق هر فرهنگ و اقتصاد جامعه رشد می‌کند. اما در کشورهای در حال توسعه رشد این جرائم سریع‌تر است. این‌گونه جرائم در کنار سایر فعالیت‌های قانونی شکل می‌گیرد و مجزا کردن آن برای کسانی که تخصص ندارند کمی دشوار است. فساد سازمان یافته در کشور ما عمدتاً در حوزه اقتصادی و مالی صورت می‌گیرد؛ که نمونه‌های آن از طریق رسانه‌های ملی انعکاس داده شده است. مثلاً پرونده سه هزار میلیاردی، پرونده فاضل خداداد، پرونده شهرام جزایری از نمونه بارز این جرم است و نشان‌دهنده این موضوع است که روند این نوع جرائم در کشور سیر صعودی را نشان می‌دهد. برای مبارزه با این جرم پیشنهاد می‌شود:

۱. عدم انتصاب افراد سیاسی و غیرمتخصص در پست‌های مدیریتی؛ برای نمونه گزارش پرونده "فساد در فوتبال" که از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تهیه و در صحن مجلس قرائت شد.
۲. حضور رسانه‌ها در تشکل‌ها و کارگروه‌های مبارزه با فساد امری الزام‌آور باشد.
۳. راه‌اندازی و تاسیس انجمن روزنامه‌نگاری پیشگیری از جرم؛ که این انجمن می‌تواند نسبت به چگونگی انتشار اخبار جنایی سامان‌دهی کند.
۴. تخلف در هر سازمان؛ اولین کسی که بایستی پاسخگو باشد رئیس آن سازمان است. زیرا رئیس سازمان سه وظیفه ذاتی دارد (نظارت، کنترل و هدایت).
۵. هزینه‌کرد غیرشفاف منابع مالی در برخی مؤسسات و سازمان‌ها؛ از طرفی سازمان‌ها برنامه دارند اما برنامه‌گریزی در عمده سازمان‌ها باب شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل وجود فساد و جرم سازمان یافته در ایران را می‌توان، منابع مالی دولتی و عدم شفافیت در هزینه‌کرد آن دانست. برای نمونه مدیرعامل یکی از باشگاه‌های مشهور، به بهانه نبود بودجه کافی، ۱۱ شرکت اقتصادی تأسیس کرده و همچنین در پوشش‌های مختلف مبادرت به انجام واردات می‌کرد.
۶. فرار مالیاتی علی‌رغم اقدامات قانونی سازمان امور مالیاتی جهت وصول مالیاتی تکلیفی و حقوقی از شاغلان فوتبال و وصول مبالغی از اشخاص حقیقی یا حقوقی، در حال حاضر متأسفانه بدهی مالیاتی به انضمام جرائم فدراسیون فوتبال، باشگاه‌های ورزشی شاغل در

لیگ برتر، مربیان، بازیکنان و سایر اعضای کادر فنی، جمعا مبلغ ۴۷۲/۱۹۷/۷۷۵/۱۸۰ ریال است که به دلایل نامعلومی، علی‌رغم پیگیری متعدد کمیسیون اصل ۹۰، سازمان امور مالیاتی، میزان بدهی باشگاه‌های ذوب آهن اصفهان، سپاهان و سپاه جامگان مشهد را اعلام نکرده است. ... اما، به دلیل دوگانگی در برخورد با برخی ورزشکاران حرفه‌ای، عده‌ای از این وضعیت سوءاستفاده کرده‌اند.^۵

۷. تکلیف رسانه‌ها با جرم مشخص نیست چه جرائمی را از وقوع تا کشف می‌توانند منعکس کنند، چه جرائمی را فقط می‌توانند خبر آن را درج کنند و چه جرائمی را علاوه بر خبر تحلیلی از چگونگی وقوع آن را درج کنند. لذا می‌طلبید آیین‌نامه در این خصوص تنظیم شود.

۸. قانون برای جرم هر اندازه که باشد مجازات تعیین کرده است. اما معیار اثبات فساد مشخص نیست لذا این اقدام محور مقابله را با مشکل مواجه می‌کند. ضرورت دارد در این خصوص قانون اجزای آن را تنظیم کند.

پی‌نوشت‌ها

1. out of the shadows; Ontario association of chiefs of police (OACP), an overview of organized crime in Ontario, 2014, 1-24.
2. out of the shadows; Ontario association of chiefs of police (OACP), an overview of organized crime in Ontario, 2014, 1-24.
۳. ر. ک گزارش پرونده «فساد در فوتبال» که از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تهیه شده است. به تاریخ دوشنبه مورخه ۹۴/۱۱/۵.
4. U.N. Convention Against Corruption, G.A. Res. 58/4, U.N. Doc. A/RES/58/422 (Oct. 31, 2003): arts. 13(1);13(1)(b); 13(1)(d).
۵. ر. ک گزارش پرونده «فساد در فوتبال» که از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تهیه شده، است. به تاریخ دوشنبه مورخه ۹۴/۱۱/۵.

منابع

- ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۸۹)، سازوکارهای مبارزه با فساد در کشورهای گروه هشت (کانادا)، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰)، سازوکارهای مبارزه با فساد در کشورهای گروه هشت (ژاپن)، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- آلوم، فیلیا، فرانسیسکا لونگو، دانیلا آیریرا و کوستاکوس پانوس (۱۳۹۴)، مبارزه با جرائم سازمان‌یافته (تحلیل، درک و واقعیت)، ترجمه مهدی مقیمی و موسی ترابی، انتشارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه علوم انتظامی امین.
- بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۲)، نقش رسانه بر ترس شهروندان از ارتکاب جرم: مطالعه موردی مناطق جرم‌خیز تهران، <http://www.ric.ir/news.php?extend.90310> مهرماه.
- بیژنی، مریم (۱۳۸۴)، فکر آزادی مطبوعات، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- تیبایجوکا، آنا کاجومولو (۱۳۹۴)، سیاست‌های کاهش جرم و خشونت شهری، ترجمه رضاعلی محسنی، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی مازندران.
- سرونت، پیر (۱۳۸۷)، خیانت رسانه‌ها، ترجمه محمدرضا دهشیری، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

صوفی آبادی، محمود (۱۳۸۹)، "درآمدی بر نقش و تأثیر مطبوعات در پیشگیری از جرم"، ماهنامه دادرسی، بهمن و اسفند، شماره ۸۴.

قاسمی مقدم، حسن، احمد احمدی، مهدی اسماعیلی و مهدی صبوری پور (۱۳۸۸)، *پیشگیری از جرم در ایران*، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.

قهرمانی، صمد (۱۳۹۰)، *پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم، ماهنامه اصلاح تربیت*، اسفند ماه، شماره ۱۱۸.

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، گزارش پرونده "فساد در فوتبال" دوشنبه ۵ بهمن.

مالوری، استیون ال (۱۳۹۲)، *شناختی بر جرائم سازمان یافته*، ترجمه تقی بختیاری و رسول نجار، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

محمدزاده، محمدجعفر (۱۳۹۲)، *رسانه شناخت*، چاپ سوم، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.

مشکوة رضوی، سید عباس (۱۳۸۷)، *رسانه، حلقه مفقوده پیشگیری از جرم*

<http://www.journalism.blogfa.com/post-100.aspx>.

نصیری، مصطفی (۱۳۹۴)، "سازوکارهای کنترل پول شویی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران"، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، شماره ۳۰ بهار.

هارپر، کریستوفر (۱۳۸۷)، *رسانه‌های نوین*، ترجمه علی اصغر کیا، انتشارات شرکت تعاونی سازمان معین ادارات.

یوتسشاک، پتر (۱۳۹۴)، *پلیس و جرائم سازمان یافته*، ترجمه حمید نیکو، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
یوسفیان شوره‌دلی، بهنام و معصومه محمدی دارابی (۱۳۹۲)، "نقش فراموش شده رسانه در پیشگیری از جرم"، فصلنامه دانش انتظامی مازندران، شماره ۱۳.

out of the shadows; Ontario association of chiefs of police(OACP), an overview of organized crime in Ontario.

Bertot , John C et al (2010), Using ICTs to create a culture of transparency: E government and social media as openness and anti-corruption tools for societies, *Government Information Quarterly*, 27.

Canter, David (2009), *The Faces of Terrorism: Multidisciplinary Perspectives*, Chapter 7. *Terrorism and Organized Crime: A Theoretical Perspective*, Published by Wiley-Blackwell.

Chance Clifford (2014), *A Guide to anti-Corruption Legislation in Asia Pacific* In: [www. Globalmandatoolkit. Clifford Chance.com](http://www.Globalmandatoolkit.Clifford Chance.com)

Greer , Chris and Reiner (2012), Robert, *Mediated mayhem: media, crime, criminal justice*, in: Mike Maguire et al(ed) *the Oxford Handbook of Criminology*, Oxford University Press, Fifth Edition.

Jarso, James Forole (2010), "Te Media and the Anti-corruption Crusade in Kenya: Weighing the Achievements, Challenges, and Prospects *American University International Law Review* 26 no. 1.

Kolstad, Ivar and Wiig (2009), Arne, *Is Transparency the Key to Reducing Corruption in Resource-Rich Countries?*, *World Development* Vol. 37, No. 3.

Malaysia Corruption Barometer: Survey Report (2014), *Transparency international Malaysia*, In: www.Transparency.org

Maria Paola Rana, *Organized Crime and Corruption (2011.2012)*, A Theoretical and Empirical Analysis, Thesis for degree of master of Economics, Romano Piras (Advisor), *Universita Degli Studi Di Cagliari*.

Peters, Bettina (2003), *The media s role: covering or covering up corruption?*, *Global Corruption Report*, Berlin.

u4 Expert Answer (2008), *organaised crime and corruption*.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی